


نوع مقاله: پژوهشی

شخصیت حضرت مریم علیها السلام از منظر قرآن کریم و عهد جدید

امیر خواص / دانشیار گروه کلام و فلسفه دین مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

amirkhavas@yahoo.com

 orcid.org/0009-0003-6748-2155

دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۴ - پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۲

چکیده

حضرت مریم علیها السلام به سبب جایگاه مادری حضرت عیسی علیه السلام از جایگاه ویژه و ممتازی در اسلام و مسیحیت برخوردار است، اما با بررسی آیات قرآن کریم روشن می‌شود که این بانوی گرامی از منظر قرآن کریم، جدا از ویژگی مادر بودن برای حضرت عیسی علیه السلام، خود دارای صفات برجسته انسانی و طهارت ویژه بوده است، اما در عهد جدید شخص ایشان مقام چندان بلندی ندارد و گاهی در حد و اندازه شأن یک انسان معمولی نیز با وی مواجهه صورت نگرفته است. پس از چند قرن، به مرور در سنت کلیسایی توجه ویژه‌ای به او معطوف شده است و تا حد پرستش او پیش رفته‌اند؛ گویا در جهان مسیحیت پس از یک مواجهه تفریط‌گونه با این شخصیت مظهره در سده اول، به سوی یک تلقی افراطی از شخصیت و جایگاه او تا رساندن وی به مقام شایسته پرستش در سده‌های بعدی گام برداشته‌اند. در این پژوهش برآنیم که به صورت مقایسه‌ای، با روش تحلیل محتوا، شخصیت و جایگاه حضرت مریم علیها السلام را در قرآن کریم و عهد جدید و الهیات مسیحی بررسی کنیم و نشان دهیم که توصیف حقیقی از این بانوی گرامی، در قرآن کریم صورت گرفته است. در ضمن، نقدگونه‌ای نیز به باورهای سنت کلیسایی درباره شخصیت و مقام حضرت مریم علیها السلام، ارائه خواهیم کرد.

کلیدواژه‌ها: مریم علیها السلام، عیسی علیه السلام، مادر خدا، کلیسا، شایسته پرستش.

مطالعه دربارهٔ شخصیت‌هایی که در ادیان ابراهیمی مورد توجه و احترام‌اند، از جمله مسائلی است که می‌تواند به‌صورت مقایسه‌ای با مراجعه به متون اصلی و مورد اعتماد آن ادیان صورت بگیرد. در این‌گونه مطالعات، هدف اولیه دستیابی به تصویری است که از آن شخصیت‌ها در این متون نمایانده شده است؛ در گام دوم، کشف تشابهات و تمایزاتی است که دربارهٔ آن شخصیت‌ها در دو دین و متون آنها وجود دارد. تشابهات زمینه‌ای برای تفاهم و همدلی میان ادیان ابراهیمی است و تمایزات احتمالی می‌تواند بستری برای تحلیل و چرایی این تفاوت‌ها و دستیابی به زمینه‌ها و عواملی شود که این تمایزات را پدید آورده‌اند. در نتیجه می‌توان با دستیابی به این عوامل درصد رفع آن تمایزات یا بیان حقیقت مسئله دربارهٔ آن شد. در این پژوهش، بررسی شخصیت و جایگاه حضرت مریم علیها السلام به‌عنوان یکی از زنان برگزیدهٔ عالم از منظر دو دین ابراهیمی، یعنی اسلام و مسیحیت، با تکیه بر قرآن و عهد جدید، محور پژوهش قرار گرفته است. حاصل این پژوهش نشان از جایگاه بلند آن حضرت در هر دو دین دارد؛ با این تفاوت که این مقام بلند، از منظر اسلام فراز و فرودی نداشته، اما در مسیحیت، رفعت مقام آن حضرت در طول تاریخ تحقق پیدا کرده است؛ به این معنا که در ابتدا گویا شأن آن حضرت در مادری برای حضرت عیسی علیه السلام خلاصه می‌شد، اما در طول تاریخ به‌مرور در کلیسای مسیحی جایگاه رفیعی برای آن حضرت قائل شدند. این تحول می‌تواند ناشی از برخورد تفریط‌گونه با شخصیت آن حضرت در سدهٔ نخست میلادی باشد که به‌مرور از آن فاصله گرفتند و به‌سوی یک تلقی افراطی از شخصیت و جایگاه او تا رساندن وی به مقام شایستهٔ پرستش در سده‌های بعدی گام برداشته‌اند.

۱. شخصیت و جایگاه حضرت مریم علیها السلام در عهد جدید

با مراجعه به عهد جدید مشاهده می‌کنیم که حضور حضرت مریم علیها السلام در آن بسیار کم‌رنگ است و مانند مردم عادی با او برخورد می‌شود؛ تنها در مواردی بسیار نادر، با تکریم خاصی از او یاد شده؛ از باب نمونه، در انجیل لوقا چنین آمده است: «پس فرشته بر او داخل شد و گفت: سلام بر تو ای نعمت‌رسیده! خدا با توست و تو در میان زنان، مبارک هستی» (لوقا ۱: ۲۸). در مقابل این نمونه، که بر تکریم حضرت مریم علیها السلام دلالت داشت، مواردی را مشاهده می‌کنیم که نه‌تنها بر تکریم ایشان دلالت ندارند، بلکه به‌نوعی تنقیص او شمرده می‌شوند؛ مانند:

الف) براساس بیان اناجیل، حضرت عیسی علیه السلام در مواردی برخورد تندی با مادرش داشته است؛ برای نمونه، به حضرت عیسی علیه السلام گفته شد که مادر و برادرانت در بیرون خانه در طلب گفت‌وگو با تو ایستاده‌اند. حضرت بر طبق نقل اناجیل فرمود: «کیست مادر من؟ و برادرانم کیان‌اند؟ و دست خود را به‌سوی شاگردان خود دراز کرد و گفت: اینان مادر و برادران من هستند؛ زیرا هر که ارادهٔ پدرم را که در آسمان است به‌جا آورد، همان برادر و مادر من است» (متی ۱۲: ۴۷-۵۰؛ مرقس ۳: ۳۱-۳۴؛ لوقا ۸: ۱۹-۲۱)؛

ب) همچنین در انجیل یوحنا آمده است که حضرت مریم علیها السلام از حضرت عیسی علیه السلام در مجلس عروسی چیزی

طلب کرد و آن حضرت در جواب مادرش گفت: «ای زن! مرا با تو چه کار است» (یوحنا ۲: ۳-۴). چنین برخوردی با مادر، در شأن یک انسان معمولی نیست، چه رسد به حضرت عیسی علیه السلام.

شاید استثنایی بودن شخصیت حضرت مریم علیها السلام در عهد جدید به دلیل بارداری و مادری وی درخصوص حضرت عیسی مسیح علیه السلام بوده است، اما در طول تاریخ مسیحیت، به مرور زمان جایگاه حضرت مریم علیها السلام تغییر می کند و توجه بیشتری به آن حضرت پدیدار می شود؛ تاجایی که می توان گرایش به پرستش آن حضرت را به عنوان مادر عیسی مسیح علیه السلام (که مسیحیت او را دارای الوهیت می داند) مشاهده کرد. البته تعداد افرادی که چنین گرایشی داشته اند، کم است، اما به هر حال واقعییتی است که در میان مسیحیان وجود داشته و دارد. در تاریخ مسیحیت، شخصیت حضرت مریم علیها السلام بحث هایی را برانگیخته و سبب اختلاف نظرهایی شده است. تا قرن چهارم میلادی بحث درباره حضرت مریم علیها السلام بسیار کم فروغ است، اما از این قرن به بعد، احترام به آن حضرت به مرور زمان در حد بالاترین احترامی است که کلیسا برای یک مخلوق خدا قائل شده است. امروزه مریم شناسی در سنت کاتولیک برای تثبیت نقش حضرت مریم علیها السلام به عنوان نماد کلیسا به بالاترین رشد و توسعه خود رسیده است (برانتل، ۱۳۸۱، ص ۸۹-۸۸). نخستین نظریه درباره حضرت مریم علیها السلام پس از عهد جدید این است که او «حوای ثانی و نوین» است و با مسیح به عنوان «آدم ثانی و نوین» متحد است. حوا علیها السلام فریب شیطان را خورد و آدم علیه السلام نیز به وسیله حوا علیها السلام فریب داده شد؛ هر دو گناهکار شدند و سقوط کردند، اما آدم ثانی، یعنی حضرت عیسی علیه السلام (که عهد جدید او را با این لقب توصیف می کند)، به همراه مادرش که حوای ثانی است، سبب نجات اند. از همین رو برخی نویسندگان مسیحی در تفسیر این جمله از عهد عتیق که می گوید: «خدا میان ذریت زن و مار (شیطان) دشمنی قرار داد» (تکوین، ۳: ۱۵)، می گویند: مراد از «ذریت زن» همان منجی، یعنی حضرت عیسی علیه السلام و مراد از زن، حضرت مریم علیها السلام است (محمدیان و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۴۰۵؛ برانتل، ۱۳۸۱، ص ۸۹). بنابراین می گویند: مرگ به واسطه حوا علیها السلام وارد جهان شد و حیات به واسطه مریم علیها السلام (مفتاح و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۶۷).

۲. دیدگاه کلیسا درباره حضرت مریم علیها السلام

کلیسا چهار حقیقت را درباره حضرت مریم علیها السلام به طور رسمی اعلام کرده است که عبارت اند از:

الف) مادری خدا: این اندیشه که مریم علیها السلام حقیقتاً مادر خداست، در میان مسیحیان، به ویژه کاتولیک ها، مورد توجه است (مفتاح و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۶۸)؛ هر چند خود او دارای خلقت انسانی است (محمدیان و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۴۰۶-۴۰۵). سیریل اسکندرانلی می گوید: از آنجا که باکره مقدس به لحاظ جسمانی خدا را پدید آورد، یعنی ذات او را همراه با یک جسم ساخت، به همین دلیل می توانیم او را مادر خدا بنامیم؛ نه اینکه ذات کلمه، وجود خود را از این جسم آغاز کرده باشد (برانتل، ۱۳۸۱، ص ۹۲). نسطوریوس با ایده «مادر خدا» درباره حضرت مریم علیها السلام مخالفت کرد و آن حضرت را انسانی معرفی کرد که یک انسان را متولد کرده است. کلیسای کاتولیک دیدگاه او را محکوم کرد و اعتقاد او را موجب لعن و نفرین دانست (آشتیانی، ۱۳۶۸، ص ۱۴۷). شورای آفسس در سال ۴۳۱ م به

مریم علیها السلام لقب «مادر خدا» داد و کلیسای کاتولیک مریم علیها السلام را واقعاً مادر خدا می‌داند (مفتاح و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۶۸). برخلاف کلیسای کاتولیک که برای حضرت مریم علیها السلام آموزه‌ای به‌نام «آبستنی بدون آلودگی» دارد، کلیسای ارتدکس به چنین آموزه‌ای معتقد نیست (رسول‌زاده، ۱۳۹۸، ص ۱۴۲)؛

ب) بکارت مریم: در پایان قرن چهارم، باکره بودن مادر خدا به‌مثابه حقیقتی مکشوف از طرف مسیحیان پذیرفته شده بود و کلیسا این دیدگاه را در سال ۴۶۹م رسماً اعلام کرد (مفتاح و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۶۹؛ محمدیان و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۴۰۶). شورای دوم قسطنطنیه در سال ۵۵۳م عنوان «همیشه‌باکره» را از اوصاف حضرت مریم علیها السلام شمرد. امروزه نیز کلیسای کاتولیک در اعتقادنامه رسمی خود، بکارت همیشگی حضرت مریم علیها السلام را اعتقاد رسمی کلیسا اعلام کرده است (مفتاح و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۶۹). پروتستان‌ها با توجه به برخی از فقرات عهد جدید، که در آنها به‌صراحت از برادران و خواهران حضرت عیسی علیهم السلام با نام‌هایی مانند یعقوب و یوسف یاد می‌کند، با اندیشه بکارت همیشگی مریم علیها السلام مخالفت کردند؛ هرچند کاتولیک‌ها این عبارات را توجیه می‌کنند و می‌گویند: اینها برادران و خواهران واقعی حضرت عیسی علیهم السلام نبوده‌اند، بلکه فرزندان زن دیگری به‌نام مریم علیها السلام بوده‌اند که از بستگان و فامیل مادر عیسی علیهم السلام بوده است (مفتاح و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۶۹). ارتدکس‌ها نیز همچون کاتولیک‌ها به بکارت دائمی حضرت مریم علیها السلام بعد از تولد حضرت عیسی علیهم السلام اعتقاد دارند (Reumann, "Mary", the encyclopedia of Religion, Vol. 9, p 249-252)؛

پ) لقاح مطهر یا معصومیت از گناه اولیه: از قرن نهم به بعد، برخی مسیحیان مدعی شدند که حضرت مریم علیها السلام قبل از تولد دارای عصمت و طهارت بوده و او - دست‌کم پیش از تولد مسیح - تطهیر و دارای عصمت و قداست شده است. این، دیدگاه کلیسای شرقی نیز هست (مفتاح و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۶۷). سرانجام پس از بحث‌های متعدد، پاپ پیوس نهم در هشتم دسامبر ۱۸۵۴م رسماً اعلام کرد که مریم عذرای متبارک، در اولین لحظه لقاحش، به‌وسیله فیض خداوند از گناه مصون نگاه داشته شد و خدا این عنایت را با توجه به شایستگی حضرت عیسی علیهم السلام انجام داده است (مفتاح و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۶۶) و سرانجام، این تعلیم، یک اصل ایمانی شد (محمدیان و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۴۰۷)؛

ت) عروج معصومانه: اندیشه عصمت مریم علیها السلام هنگام مرگ و عروج به‌سوی خداوند با حالت معصومانه، در قرن پنجم میلادی شکل گرفت. یکی از نویسندگان در این زمینه می‌گوید:

در کتابی با عنوان «مراجعت مریم مقدس» که به پاپ هیلاریوس در قرن پنجم میلادی منسوب است، آمده است که ۲۲ سال پس از مرگ حضرت عیسی علیهم السلام، فرشته‌ای بر مریم علیها السلام ظاهر شد و خبر داد که پسر تو در آسمان با تخت سلطنت و فرشتگان دربارش به انتظار توست و مریم علیها السلام میل می‌کند قبل از صعود به آسمان، همه رسولان را ملاقات کند. به‌قدرت حضرت عیسی علیهم السلام، همه رسولان سوار بر ابرها شده و به حضور مریم علیها السلام می‌رسند. بالاخره مریم علیها السلام نیز چون پسرش به آسمان برده می‌شود و رسولان مجدداً سوار بر ابرها شده، به مکان‌های خود بازمی‌گردند (آشتیانی، ۱۳۶۸، ص ۱۴۶).

قرن‌ها این بحث ادامه داشت تا اینکه کلیسای غرب نیز (با فاصله چند قرن)، در قرن بیستم توسط پاپ پیوس دوازدهم، معراج معصومانۀ مریم علیها السلام را یک اصل ایمانی مقدس اعلام کرد (آشتیانی، ۱۳۶۸، ص ۱۴۶). کاتولیک‌ها معتقدند که مریم علیها السلام صعود جسمانی و روحانی به آسمان داشته و خداوند او را ملکه عالم هستی قرار داده است (مفتاح و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۹۳). این اعتقاد، در حکم پاپ پیوس دوازدهم در سال ۱۹۵۰م آمده است (رسول‌زاده، ۱۳۹۸، ص ۱۴۲)، اما ارتدکس‌ها صعود جسمانی حضرت مریم علیها السلام را نمی‌پذیرند (همان، ص ۲۲۵). درنهایت، کلیسای کاتولیک حضرت مریم علیها السلام را با اوصافی مانند آزاد از گناه شخصی، واسطه فیض خداوند و مادر روحانی انسان‌ها مورد تمجید قرار داد (محمدیان و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۴۰۹-۴۰۸).

۳. پرستش حضرت مریم علیها السلام

شواهدی در تاریخ مسیحیت وجود دارد که نشان می‌دهد گرایش به پرستش حضرت مریم علیها السلام در میان مسیحیان وجود داشته است. در ادامه به برخی از این شواهد اشاره می‌کنیم:

الف) مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر شریف *المیزان* از برخی افراد، کتاب‌ها و مقالات نام می‌برد که در آنها به پرستش و عبادت حضرت مریم علیها السلام تصریح کرده‌اند (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۶ ص ۲۴۲):

ب) دانشمندی به نام *تریمینگام* در کتاب *مسیحیت در جزیره العرب پیش از اسلام* به یک نوع تثلیث سامی اشاره می‌کند که در آن روزگار به الله (خدای متعال)، لات (بزرگ مادر) و بعل (خداوند، رب) معتقد بودند. برخی از مسیحیان آن سرزمین، تثلیث مسیحی را با این تثلیث منطبق کردند و به پرستش مریم علیها السلام روی آوردند (میشل، ۱۳۷۷، ترجمۀ توفیقی، ص ۷۹-۷۸):

پ) یکی از نویسندگان مسیحی می‌گوید: با ورود بت‌پرستان به کلیسا در قرن چهارم میلادی، بسیاری از رسوم و عادات آنها وارد کلیسا شد و مسیحیت خود را با آن رسوم منطبق کردند؛ از جمله به عبادت حضرت مریم علیها السلام باکره پرداختند. به‌مرور این کار رنگ مسیحی به خود گرفت. گرچه واعظان مسیحی برضد آن تبلیغ کردند، اما این گرایش آن قدر قوی بود که غلبه واعظان بر آن مشکل شد (میلر، ۱۹۸۱م، ص ۲۵۸):

ت) یکی از نویسندگان مسیحی نیز اذعان کرده است که کسانی مریم علیها السلام را در صدر اسلام در عربستان پرستش می‌کردند؛ گرچه آنها را گمراه دانسته است (وات، ۱۳۷۳، ص ۳۸-۳۹):

ث) یکی از بزرگان مسیحیت به نام *انستاس الکرملی* مقاله‌ای با عنوان «قَدَمُ التَّعْبُدِ لِلْعَذْرَاءِ» در مجله *المشرق* چاپ کرده و در آن بر قدمت پرستش مریم علیها السلام در میان مسیحیان اقرار کرده است (الکرملی، ص ۳۳-۶۴):

ج) دکتر *زرین کوب* نیز با شواهد و مدارکی بیان می‌کند که پرستش حضرت مریم علیها السلام در کلیسای روم، از قرن دوازدهم صورت مشخصی یافت، اما سابقه آن به قرن ششم و به کلیسای بیزانس می‌رسد که مبادی آن را تمهید کردند و آن را لازمه راست‌کیشی شمردند (زرین کوب، ۱۳۷۵، ص ۲۱۱):

چ) در اعتقادنامه رسمی کلیسای کاتولیک نیز با عباراتی بسیار احتیاط‌آمیز تلاش شده است که از این پرستش با

عنوان تکریم مریم علیها السلام یاد شود: «سرسپردگی کلیسا به باکره مقدس، جزء عبادت مسیحی است (لوقا ۱: ۴۸). کلیسا به حق باکره مقدس را با تعبدی خاص تکریم می کند. از زمان های قدیم، باکره مقدس با لقب "مادر خدا" تکریم شده است و مؤمنان در همه خطرها و نیازهایشان به او پناه می برند» (مفتاح و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۹۴)؛

(ح) با وجود این شواهد، به خوبی بیان قرآن کریم را درباره پرستش مریم علیها السلام می توان فهمید؛ آنجا که خدای متعال خطاب به حضرت عیسی علیه السلام می فرماید: «وَإِذ قَالَ اللَّهُ بَعِثْ بِنِ مَرْيَمَ ابْنَتِ لَيْسَى اتَّخَذْنِي وَأُمِّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ» (مائده: ۱۱۶). با دقت در آیه شریفه متوجه می شویم که سخن از پرستش در میان است، نه اعتقاد و اعلام الوهیت حضرت عیسی علیه السلام و حضرت مریم علیها السلام؛ زیرا در آیه بحث «اتخاذ» مطرح شده که کاری است عملی، یعنی پرستش حضرت عیسی علیه السلام و مادرش؛ هرچند عمل انسان با باور و اعتقادی همراه می شود. پس مراد این است که ای عیسی! آیا تو به مردم گفتی که تو و مادرت را شریک خداوند در الوهیت قرار دهند؟ (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۶ تفسیر آیه ۱۱۶ مائده).

در پایان این بحث شاید بتوان گفت: پرستش مریم علیها السلام و الوهیت او نتیجه این تفکر است که اگر انسان (عیسی) می تواند خدا باشد و پدر او نیز خداست، چرا مادر او به عنوان کسی که خدای پسر (عیسی) به واسطه اراده خدای پدر در رحم او قرار گرفته، نتواند و نباید مورد احترام بسیار خاص و پرستش قرار گیرد؟ البته ممکن است کسی به این تحلیل اشاره نکرده باشد، اما می توان آن را زمینه روانی این نظریه در فضای فکری دنیای مسیحیت، که به الوهیت یک انسان قائل است، در نظر گرفت. البته اکثریت مسیحیان پرستش حضرت مریم علیها السلام را در میان برخی از همکیشان خودشان به معنای الوهیت آن حضرت نمی دانند تا در نتیجه تثلیث مسیحی تبدیل به تریع (چهارگانه پرستی) شود، اما به هر حال «پرستش» لازمه الوهیت شخص مورد پرستش است و با خضوع و تواضع در برابر بزرگان دین بدون اعتقاد به الوهیت آنها تفاوت دارد.

۴. حضرت مریم علیها السلام در قرآن

واژه «مریم» به معنای زن عبادت کننده و خدمتگزار است. در قرآن کریم مجموعاً ۳۱ بار از حضرت مریم علیها السلام به صورت صریح نام برده و در بیش از ده مورد، از آن حضرت یا با ضمیر یاد شده است یا گفتاری نقل شده که گوینده آن مریم علیها السلام است. با بررسی مجموع این آیات، جایگاه بلند حضرت مریم علیها السلام نزد خداوند آشکار می شود. اکنون به بررسی اجمالی این آیات می پردازیم تا اولاً حقایقی که قرآن کریم درباره آن حضرت ارائه کرده است، روشن شود؛ ثانیاً برتری مقام و منزلت آن حضرت در قرآن کریم نسبت به جایگاه وی در عهد جدید آشکار گردد.

در برخی از آیات قرآن کریم (۱۹ آیه)، از مریم علیها السلام به عنوان مادر حضرت عیسی علیه السلام یاد شده؛ یعنی تعبیر «عیسی بن مریم» یا «المسیح بن مریم» به کار رفته است. در این آیات، گرچه توجه اصلی به حضرت عیسی علیه السلام است، اما به هر حال از آن حضرت به عنوان پسر مریم علیها السلام نام برده شده و این خود نشانی از تکریم مریم علیها السلام در جایگاه مادر حضرت عیسی علیه السلام به عنوان رسول بزرگ الهی است؛ مانند:

الف) «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَوَقَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ» (بقره: ۸۷)؛ ما به موسی کتاب دادیم و پس از او پی در پی پیامبران فرستادیم و به عیسی پسر مریم نیز معجزات آشکار دادیم و او را با روح القدس مدد فرمودیم؛

ب) «وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ» (بقره: ۲۵۳)؛ ما به عیسی پسر مریم دلایلی روشن عطا کردیم و او را با روح القدس مدد فرمودیم؛

پ) «وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَّوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا» (نساء: ۱۵۷)؛ و این سخنشان (یهودیان) که ما پیامبر خدا مسیح عیسی بن مریم را کشته ایم؛ حال آنکه او را نکشتند و نه به دار صلیب آویختند، بلکه چنین به نظرشان آمد و مسئله بر آنان مشتبه شد؛ و آنان که در این امر دچار اختلاف شدند، گرفتار شک و تردیدند و بدان علم ندارند و تنها حدس و گمان را دنبال می کنند و یقیناً او را نکشتند.

در آیات متعددی، از جمله در این سه آیه، که از باب نمونه ارائه شد، از مریم^{علیها السلام} به عنوان مادر عیسی^{علیه السلام} نام برده شده و این مادر بودن او، با توجه به نوع بارداری و تولد فرزندش، ویژگی خاصی به آن حضرت داده است که از صرف مادر بودن برای پیامبر الهی - که در جای خود ویژگی ممتازی است - فراتر رفته؛ زیرا حضرت مریم^{علیها السلام} در ضمن این بارداری، امتحان بزرگ الهی را از سر گذرانده است.

در گروه دیگری از آیات، ویژگی های ممتازی برای حضرت مریم^{علیها السلام} بیان شده، که نشانه شخصیت والای او، فارغ از مادر بودن برای پیامبر بزرگ الهی، یعنی حضرت عیسی^{علیه السلام} است. در ادامه، این آیات را بررسی می کنیم.

۴-۱. مورد توجه الهی بودن حضرت مریم^{علیها السلام} از هنگام ولادت

إِذْ قَالَتِ امْرَأَةُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، فَلَمَّا وَضَعَتَهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذَرَيْتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولِ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا... (آل عمران: ۳۵-۳۸)

روزی همسر عمران (مادر حضرت مریم^{علیها السلام}) گفت: «خدایا! من نذر کردم تا طفلی را که در شکم دارم، برای خدمت کردن (به) تو آزاد کنم؛ از من قبول کن که تویی که شنوای دانایی». پس چون فرزندش را بزاد، گفت: «پروردگارا! من دختر زاده ام - و خدا به آنچه او زاید، داناتر بود - و پسر چون دختر نیست و من نامش را مریم نهادم و او و فرزندان او را از شیطان رانده شده به تو پناه می دهم». پس پروردگارش وی [مریم] را با حسن قبول، پذیرا شد و او را نیکو بار آورد.

براساس این سه آیه، اولاً خداوند مریم^{علیها السلام} را که مادرش برای خدمت به معبد نظر کرده بود، پذیرفته است؛ زیرا ضمیر «ها» در «فَتَقَبَّلَهَا» به مریم^{علیها السلام} برمی گردد، نه به نذر مادر مریم^{علیها السلام}؛ زیرا آیه نگفته است «فَتَقَبَّلَ نَذْرَهَا» (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۲۷۱)؛ ثانیاً پذیرش مریم^{علیها السلام} به صورت شایسته بوده است؛ چون تعبیر «قبول حسن» در آیه آمده است؛ ثالثاً تربیت مریم^{علیها السلام}، آن هم به صورت بسیار نیکو، توسط خداوند و زیر نظر عنایت الهی بوده است.

تعبیر به «انبتها» - از ماده «انبات» به معنای رویانیدن - دربارهٔ پرورش مریم علیها السلام، اشاره به جنبه‌های تکامل معنوی، روحانی و اخلاقی آن حضرت است. ضمناً این جمله به نکتهٔ لطیفی اشاره دارد و آن اینکه کار خداوند، انبات و رویانیدن است؛ یعنی همان گونه که درون بذر گل‌ها و گیاهان استعدادهایی نهفته است که زیر نظر باغبان پرورش می‌یابد و آشکار می‌شود، در درون وجود آدمی و اعماق روح و فطرت او نیز همه‌گونه استعدادهای عالی نهفته شده است که اگر انسان خود را تحت تربیت مربیان الهی، که باغبان‌های باغستان جهان انسانیت‌اند، قرار دهد، به سرعت پرورش می‌یابد و آن استعدادهای خداداد آشکار می‌شود و انبات به معنای واقعی کلمه صورت می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۲۸).

۴-۲. سرپرستی حضرت مریم علیها السلام توسط زکریای نبی علیه السلام و دریافت روزی خاص از خداوند

...وَكَلَّمَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (آل عمران: ۳۷)؛

و (خدای متعال) زکریا را سرپرست وی قرار داد. هر بار زکریا در محراب بر مریم علیها السلام وارد می‌شد، نزد او [نوعی] خوراکی می‌یافت. سرانجام گفت: ای مریم! این روزی از کجا برای تو آمده است؟ او در پاسخ گفت: این از جانب خداست که خدا به هر کس بخواهد، بیشمار روزی می‌دهد.

براساس این آیهٔ شریفه، علاوه بر اینکه حضرت مریم علیها السلام تحت تکفل و مراقبت زکریای نبی علیه السلام بوده، این تکفل به هدایت الهی بوده است؛ زیرا فعل «كَلَّمَهَا» متعدی از باب تفعیل است؛ یعنی کفالت مریم علیها السلام به او واگذار شده و کسی او را کفیل مریم علیها السلام قرار داده است. گویا او به عنوان خادم معبد در هیکل سلیمان حضور داشته و مشغول خدمت و عبادت بوده است؛ و نکتهٔ دیگر اینکه رزق و روزی خاصی از سوی پروردگار عالم به او می‌رسیده است که سبب تعجب جناب زکریا علیه السلام شده و از همین رو از مریم علیها السلام دربارهٔ آن رزق و روزی پرسش کرده است. واژهٔ «رزق» نیز به صورت نکره آمده که تأییدی بر خاص بودن این روزی است و پرسش زکریا علیه السلام می‌تواند نشانی از بهشتی بودن این رزق باشد؛ چنان که در برخی روایات اشاره شده که آن رزق از میوه‌های بهشتی بوده است. لذا این موضوع که منظور از «رزقاً» غذای بهشتی باشد، از قرائتی هم که در گوشه و کنار آیه هست، استفاده می‌شود؛ زیرا اولاً واژهٔ «رزقاً» در قالب نکره، نشانهٔ آن است که روزی خاص و ناشناسی برای زکریا علیه السلام بوده است؛ ثانیاً پاسخ مریم علیها السلام که «این از طرف خداست»، نشانهٔ دیگری برای این مطلب است؛ ثالثاً قانع شدن جناب زکریا علیه السلام از پاسخ مریم علیها السلام که گفت: «این رزق از جانب خداست»، نشان این است که این رزق، معمولی نبود (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۷۵)؛ زیرا همهٔ نعمت‌ها و رزق‌ها از جانب خدایند؛ رابعاً به هیجان آمدن زکریا علیه السلام و تقاضای فرزندی از طرف پروردگار، که در آیهٔ بعد به آن اشاره شده است، قرینهٔ دیگری برای این معنا شمرده می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۳۰)؛ یعنی دعای زکریا علیه السلام بعد از پاسخ مریم علیها السلام، که عرضه داشت: «پروردگارا! از درگاه خودت فرزندی به من عطا فرما»، دلالت دارد بر اینکه یافتن رزق نام‌برده در نزد مریم علیها السلام را کرامتی الهی و خارق‌العاده تشخیص داده و در نتیجه

به طمع افتاده است که او هم از خدای تعالی بخواهد فرزندی طیب روزی اش کند (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۷۵). همچنین از تعبیر «كَلِمًا دَخَلَ عَلَيْهَا» در آیه به دست می آید که این رسیدن رزق به حضرت مریم علیها السلام مکرر اتفاق می افتاده و منحصر به یک نوبت نبوده است و این خود نشان بزرگی و عظمت مقام حضرت مریم علیها السلام نزد خداوند متعال است. در آیات ۲۴ و ۲۵ سوره مریم نیز به روزی دادن خداوند به مریم علیها السلام اشاره شده است. در هنگامی که او دچار درد زایمان شد و به کناری رفت، خداوند زیر پای او نهی روان کرد تا از آن بنوشد و درخت خرما را نیز بارور کرد تا مریم علیها السلام با تکان دادن شاخه آن، رطب تازه بر او فروریزد.

۳-۴. پاکدامنی و عبودیت حضرت مریم علیها السلام

وَمَرِيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَتَ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا اسْمُ الْقَاتِنِ
(تحریم: ۱۲)

و مریم، دختر عمران، همو که دامن خود را پاک نگاه داشت. ما در او از روح خود دمیدیم، و او سخنان پروردگار خود و کتابهای او را تصدیق می کرد و از فرمان برداران بود.

در این آیه شریفه، خداوند متعال مریم علیها السلام را به عنوان دومین زن مؤمن مثال می زند؛ زیرا واژه «وَمَرِيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ» عطف به «إِمْرَأَتِ فَرْعُونَ» در آیه پیشین است. در این آیه، خداوند از مریم علیها السلام برخلاف زن فرعون، نام می برد و اصولاً تنها زنی که نام او در قرآن بیش از سی بار تکرار شده، مریم علیها السلام است و از هیچ زن دیگری نام برده نشده است (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۹، ص ۳۴۵). از این آیه شریفه، عفت و پاکدامنی به عنوان یک ویژگی مهم برای حضرت مریم علیها السلام استفاده می شود و خداوند او را از تهمت های ناروایی که برخی یهودیان آلوده و گناهکار به او می زدند (چنان که در آیه ۱۵۶ سوره نساء به آن اشاره شده است: «وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرِيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا») منزه می داند؛ ثانیاً او شایستگی می یابد که به اراده خداوند، در او از روح الهی دمیده شود و او به کلمه الهی، یعنی حضرت عیسی علیه السلام، حامله شود؛ ویژگی سوم حضرت مریم علیها السلام در این آیه، تصدیق سخنان و کتب نازل شده از سوی خداوند است. احتمالاً مراد از «کلمات الهی» وحی هایی است که مکتوب نشده اند و مراد از «کتب الهی» وحی هایی است که مکتوب شده و به صورت کتاب درآمده اند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ج ۲۴، ص ۳۰۵) و مریم علیها السلام هر دو را تصدیق کرده است؛ نهایتاً گواهی خداوند بر اینکه مریم علیها السلام از فرمان برداران بوده است، تأیید مقام عبودیت و بندگی آن حضرت است و این مقامی است بس بلند که خداوند عبودیت بنده ای را تأیید فرماید.

۴-۴. برگزیده بودن حضرت مریم علیها السلام و تطهیر او از سوی خداوند

وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي
وَأَرْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ (آل عمران: ۴۲-۴۳)

و فرشتگان گفتند: ای مریم! همانا خداوند تو را برگزیده و پاک کرده و بر زنان جهان (روزگار خود) برتری داده است. ای مریم! از پروردگار خود اطاعت کن و برای او سجده کن و همراه با رکوع کنندگان رکوع کن.

در این دو آیه نیز بخش دیگری از فضایل حضرت مریم علیها السلام بیان شده است: نخستین فضیلت اینکه، مخاطب ملائکه قرار گرفته و با آنان سخن گفته است؛ دومین فضیلت این است که به او گفته می‌شود: خداوند تو را برگزیده است و تو مصطفای الهی هستی؛ سومین فضیلت اینکه خداوند تو را پاک کرده است؛ یعنی تو مطهره‌ای؛ چهارمین فضیلت، که شاید در اثر همان فضایل قبلی باشد، این است که خداوند تو را بر زنان دیگر عالم برتری بخشیده است. آیه بعدی می‌تواند بیانگر نتایج این فضایل و عنایات خداوند به مریم علیها السلام باشد که از او خواسته می‌شود مطیع خداوند باشد و برای او سجده و رکوع کند؛ یعنی درخواست عبودیت کامل در برابر خداوند.

۴-۵. نزول ملائکه بر مریم علیها السلام و بشارت به تولد حضرت عیسی علیه السلام از او

در آیات متعددی مسئله بشارت به تولد عیسی علیه السلام ذکر شده است که به این آیات اشاره می‌کنیم:

إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (آل عمران: ۴۵)؛

فرشتگان گفتند: ای مریم! خدا تو را به کلمه‌ای از جانب خویش مژده می‌دهد که نامش عیسی مسیح پسر مریم است و در دنیا و آخرت آبرومند است و از قربان (درگاه الهی) است.

براساس این آیه، مریم علیها السلام مخاطب ملائکه است و به او گفته می‌شود که خداوند تو را به کلمه خود، یعنی مسیح، بشارت می‌دهد. در این آیه بیان شده است که فرشتگان الهی بر او نازل می‌شوند و با او سخن می‌گویند و این مقام فوق‌العاده بلندی است که تنها به انسان‌های خاصی مانند پیامبران و امامان معصوم و حضرت زهرا علیها السلام اختصاص دارد.

وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّخَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا، فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا، قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا، قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا، قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا، قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَىٰ هَيْبٍ وَلِنَجْعَلَ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِّنَّا وَكَانَ أَمْرًا مُّضْمِيًّا (مریم: ۱۶-۲۱)؛

و در این کتاب از مریم یاد کن؛ آن گاه که از کسان خود در مکانی شرقی به کناری شتافت و در برابر آنان برده‌ای بر خود گرفت. پس روح خود را به سوی او فرستادیم تا به (شکل) بشری خوش‌اندام بر او نمایان شد. (مریم) به او گفت: اگر پرهیزگاری (باکی ندارم؛ وگرنه) من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم. فرشته گفت: من فقط فرستاده پروردگار توام، برای اینکه به تو پسری پاکیزه ببخشم، مریم گفت: چگونه مرا پسری باشد، با آنکه دست بشری به من نرسیده و بدکار نبوده‌ام. فرشته گفت: [فرمان] چنین است. پروردگار تو گفته که آن کار بر من آسان است و ما می‌خواهیم آن پسر را نشانه‌ای برای مردم و رحمتی از جانب خویش قرار دهیم و [این] دستوری قطعی بود.

در این آیه نیز حضرت مریم علیها السلام مخاطب روحی از سوی پروردگار است که آیه از او به «روحنا» تعبیر می‌کند؛ یعنی خداوند از آن فرشته به «روح خود» تعبیر می‌کند. این روح مجرد، نزد مریم علیها السلام به شکل انسان خوش‌اندام و زیبایی ممتثل می‌شود و به او وعده الهی را گوشزد می‌کند که خداوند به صورت قطعی اراده کرده است به او پسری

عطا کند که آن پسر نشانه‌ای برای مردم و رحمتی از جانب پروردگار باشد. نکته مهمی که از این چند آیه استفاده می‌شود، این است که خدای متعال مریم علیها السلام را برای امتحان دشواری برگزیده است؛ زیرا در ابتدا وعده‌ای به مریم علیها السلام داده نشد که نگران نباش؛ زیرا این فرزند از تو رفع تهمت خواهد کرد. بنابراین بارداری مریم علیها السلام و زایمان او حقیقتاً امتحان بسیار سنگینی بود و طبیعتاً در نگاه اول، مردم او را بدکاره تلقی کردند و مورد تهمت و شماتت قرار دادند («وَقَوْلِهِمْ عَلٰی مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا»؛ نساء: ۱۵۶)، اما به‌اذن و اراده الهی، عیسی علیه السلام به صورت معجزه به‌سخن می‌آید و در گهواره از مادر خود رفع تهمت می‌کند و آرامش را به مادر برمی‌گرداند. نکته عجیب این است که در داستان مریم علیها السلام در اناجیل اربعه، اصلاً به معجزه سخن گفتن حضرت عیسی علیه السلام در گهواره و رفع تهمت از مادرش اشاره نشده است و معلوم نیست با فضایی که در اناجیل اربعه ترسیم شده، حضرت مریم علیها السلام چگونه از این وضعیت رهایی یافته است.

۴-۶. صدیقه بودن مریم علیها السلام

مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ اِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَاُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَاكُلَانِ الطَّعَامَ اَنْظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ اَنْظُرْ اَنَّى يُؤْفَكُونَ (مانده: ۷۵)؛

مسیح پسر مریم، رسولی بیش نبود که پیش از او نیز پیامبرانی بوده‌اند و مادرش نیز زنی بسیار راست‌گفتار بود. آنها نیز مانند دیگران غذا می‌خوردند. بین چگونه آیات خود را برایشان روشن می‌سازیم و آن‌گاه بین که تا کی از حق روی برمی‌تابند.

این آیه شریفه بر صدیقه بودن مریم علیها السلام گواهی می‌دهد و طبق بیانات قرآن، این یکی از ویژگی‌های پیامبران و اولیای الهی است.

۴-۷. نشانه و آیت الهی بودن مریم علیها السلام

وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَاُمَّهُ آيَةً وَاَوْثَقْنَا لَهُمْ اِلٰى رَبِّوَةِ ذَاتِ قَرَارٍ وَّمَعِينٍ (مؤمن: ۵۰)؛

ما پسر مریم (یعنی عیسی) و مادرش را نشانه‌ای ساختیم و آن دو را در سرزمین بلندی جای دادیم که آرامشی داشت و چشمه‌ساری.

براساس این آیه شریفه، حضرت عیسی علیه السلام به‌عنوان پیامبر بزرگ الهی در کنار مادرش از جمله آیات الهی‌اند؛ یعنی نشانه‌ای هستند که بر ربوبیت الهی (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۵، ص ۳۵) و بر قدرت، حکمت و عظمت خداوند دلالت دارند؛ چون کار آیت و نشانه این است که مانند آینه‌ای غیر خود را نشان می‌دهد و از وجود چیز دیگری حکایت دارد. از این جهت، نشانه و آیت خدا بودن حضرت مریم علیها السلام یک فضیلت بزرگ برای اوست. تعبیر آیه به «ابن مریم» به‌جای «عیسی»، برای توجه دادن به این حقیقت است که حضرت عیسی علیه السلام به‌فرمان پروردگار تنها از مادر و بدون دخالت پدری متولد شد و این تولد، خود از آیات بزرگ قدرت پروردگار بود؛ و از آنجاکه این تولد استثنایی از یک‌سو با عیسی علیه السلام و از سوی دیگر با مادرش مریم علیها السلام رابطه دارد، هر دو را به‌عنوان یک آیه و نشانه

می‌شمرد؛ چراکه این دو (تولد فرزندی بدون دخالت پدر و همچنین باردار شدن مادری بدون تماس با مرد)، در واقع یک حقیقت بودند با دو نسبت متفاوت (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ج ۱۴، ص ۲۵۱).

۴-۸. امتحان دشوار مریم علیها السلام توسط خداوند

فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَدَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا؛ فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَسِيًّا؛ فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا؛ وَهَزَّتْ يَدَاكِ فَجِذَعُ النَّخْلَةِ نَسَاطُطٌ عَلَيْكَ رَطْبًا حَنِيبًا؛ فَكَلِمَى وَأَشْرَبِي وَقَرِي عَيْنًا فَمَا تَرَيْنِ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا؛ فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا، يَا أُخْتُ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ أَمْرًا سَوْءًا وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا؛ فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نَكَلِمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا؛ قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا؛ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا؛ وَبِرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا؛ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا (مریم: ۲۲-۳۳)؛

پس [مریم] به او [عیسی] آبستن شد و با او به مکان دورافتاده‌ای پناه جست؛ تا درد زایمان را او به‌سوی تنه درخت خرمایی کشانید. گفت: «ای کاش پیش از این مرده بودم و یکسر فراموش شده بودم!» پس، از زیر [پای] او [فرشته] وی را ندا داد: «غم مدار؛ پروردگارت زیر [پای] تو چشمه‌ای پدید آورده است؛ و تنه درخت خرما را به‌طرف خود [بگیر و] بتکان؛ بر تو خرماي تازه می‌ریزد؛ و بخور و بنوش و دیده روشن دار. پس اگر کسی از آدمیان را دیدی، بگوئی من برای خدای رحمان روزه نذر کرده‌ام و امروز مطلقاً با انسانی سخن نخواهم گفت». پس [مریم] درحالی که او را در آغوش گرفته بود، به‌نزد قومش آورد. گفتند: «ای مریم! به‌راستی کار بسیار ناپسندی مرتکب شده‌ای! ای خواهر هارون! پدرت مرد بدی نبود و مادرت [نیز] بدکاره نبود!» مریم به‌سوی [عیسی] اشاره کرد. گفتند: «چگونه با کسی که در گهواره [و] کودک است، سخن بگوییم؟» کودک گفت: «منم بنده خدا. به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است؛ و هر جا که باشم، مرا بابرکت ساخته و تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش کرده است؛ و مرا نسبت به مادرم نیکوکار کرده و زورگو و نافرمانم نگردانیده است؛ و درود بر من، روزی که زاده شدم و روزی که می‌میرم و روزی که زنده برانگیخته می‌شوم».

آنچه از مجموع این دوازده آیه به‌دست می‌آید، فضیلت سربلندی حضرت مریم علیها السلام از امتحان الهی است؛ چراکه ابتلای او به این امتحان، بسیار سخت و دشوار بوده است؛ زیرا - چنان که در این آیات آمده است - مریم علیها السلام به‌عنوان دختری که معتکف و خادم معبد بوده، دختری بدنام و ناپاک نبود و لذا توقع فرزندآوری از او بدون ازدواج، بسیار شرم‌آور بود. از سوی دیگر، هنگامی که فرشته‌ی خداوند به او وعده تولد مسیح را می‌دهد و مریم علیها السلام نگران این بارداری می‌شود، براساس آنچه در آیات آمده، از سوی فرشته به او وعده دفاع کودک از مادرش داده نشده است تا گفته شود که خیال مریم علیها السلام از تهمت مردم راحت بوده؛ چراکه سخن گفتن کودک، پس از تهمت زدن یهودیان روی داده است. البته این احتمال وجود دارد که چون این بارداری به اراده‌ی الهی بوده و به‌سبب ایمانی که مریم علیها السلام به خدای متعال داشته است، پذیرش این امتحان بر او آسان شده و خیال او از اینکه خدای متعال از او حمایت خواهد کرد، آسوده بوده است؛ هرچند هیچ تعهدی به مریم علیها السلام داده نشده بود که در این آزمون الهی از سوی مردم به او آسیبی نخواهد رسید.

نتیجه گیری

از بررسی مجموعهٔ بیانات عهد جدید و کلیسای مسیحی از یک سو و دیدگاه قرآن کریم از سوی دیگر، ویژگی‌های ممتازی برای حضرت مریم علیها السلام بر ما روشن می‌شود. آنچه در این بررسی مقایسه‌ای آشکار می‌گردد، ویژگی ممتاز آن حضرت از بدو تولد تا پایان زندگی است؛ زیرا خداوند مریم علیها السلام را به‌عنوان دختری شایسته، که مورد نذر مادرش بود، می‌پذیرد و او تحت تدبیر الهی تربیت می‌شود و به مقام شایسته‌ای دست می‌یابد که مادری برای حضرت عیسی علیه السلام یکی از فضایل این بانوی ممتاز است، اما در عهد جدید تمرکز بر فضیلت مادری آن حضرت نسبت به حضرت عیسی علیه السلام است و گاهی برخوردهای نامناسبی نیز با وی در عهد جدید گزارش شده است، لکن در طول تاریخ مسیحیت، به‌مرور مقام آن بانوی گرامی رفعت می‌یابد و مسیحیان تا حد پرستش او پیش می‌روند. حاصل این مقایسه، علاوه بر کشف مشابهاتی دربارهٔ شخصیت حضرت مریم علیها السلام در دو دین ابراهیمی، بیانگر این حقیقت است که نگاه قرآن به آن حضرت در مقایسه با عهد جدید و جهان مسیحیت، واقع‌بینانه‌تر و مبتنی بر حقایق است که خدای متعال بر آن صحنه گذاشته است و از مواجههٔ تفریطی و افراطی به آن حضرت و شخصیت او در طول زمان، خبری نیست.

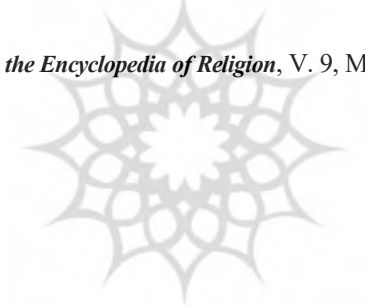


منابع

عهد جدید.

- آشتیانی، جلال‌الدین، ۱۳۶۸، *تحقیقی در دین مسیح*، تهران، نگارش.
- برانتل، جرج، ۱۳۸۱، *آیین کاتولیک*، ترجمه حسن قنبری، قم، مرکز تحقیقات ادیان و مذاهب.
- رسول‌زاده، عباس، ۱۳۹۸، *ساخت کلیسای ارتدکس*، قم و تهران، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام و سمت.
- زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۷۵، *در قلمرو وجدان*، تهران، سروش.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۶۳، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- الکرملی، انستاس، «قدم التبعد للعدرا»، *المشرق*، بیروت، سنه الخامسة، الرقم ۱۴.
- محمدیان، بهرام و همکاران، ۱۳۸۱، *دایرةالمعارف کتاب مقدس*، تهران، سرخدار.
- مفتاح، احمدرضا و همکاران، ۱۳۹۳، *تعالیم کلیسای کاتولیک*، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۶۳، *تفسیر نمونه*، قم، مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
- میشل، توماس، ۱۳۷۷، *کلام مسیحی*، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز تحقیقات ادیان و مذاهب.
- میلر، ۱۹۸۱، *تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران*، ترجمه علی نخستین، بی‌جا، حیات ابدی.
- وات، مونتگمری، ۱۳۷۳، *برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، تفاهات و سوء تفاهات*، ترجمه محمدحسین آریا، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

Reumann, 1987, "Mary", In: *the Encyclopedia of Religion*, V. 9, Macmillan.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی